

سنخیت علت و معلول

مروری سریع بر آنچه خوانده‌ایم:

علیت رابطه ای وجودی است که کلمه‌ی «چرا» بازتابی از درک رابطه‌ی علیت است.

علت: به وجود آورنده / معلول: به وجود آمده

فلاسفه ی مسلمان	دیوید هیوم	اکثر تجربه گرایان	دکارت
علیت یک قاعده ی عقلی و غیر تجربی است.	علیت را نمی توان از طریق مشاهده ی حسی به درست آورد.	اصل علیت به صورت تجربی درک می شود.	اصل علیت غیر تجربی است.
علیت به صورت مادرزادی درک نمی شود.	حس تنها می تواند توالی، رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد.	انسان از طریق حس، توالی پدیده ها را مشاهده می کند و رابطه ی ضروری میان علت و معلول را در می یابد.	جزء اصول اولیه است.
انسان بر اساس اصل امتناع اجتماع نقیضین در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند. یعنی اصل علیت مبتنی بر اصل بدیهی امتناع اجتماع نقیضین درک می شود.	بر اثر تکرار توالی پدیده ها در ذهن ما چنین انعکاسی می یابد که یک رابطه ی ضروری به نام علیت میان پدیده ها هست.		فطری و مادرزادی درک می شود.
کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد، اما خود اصل علیت غیر تجربی و عقلی است.	این انعکاس ذهنی را «تداعی» می نامند و می گوید تداعی علیت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست.		یافتن مصادیق علیت نیازمند تجربه و آموزش است.

مدرسه مجازی اینو

اصل علیت:

تعریف:

هر معلولی (حادثه ای)، علتی دارد.

نتایج:

ارتباط و پیوستگی میان اشیاء.

انسان علاوه بر درک اصل علیت، همچنین اصل سنخیت علت و معلول را درک می کند.

سنخیت علت و معلول: هر علتی معلول خاص خودش را پدید می آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می شود.

به طور مثال : آتش می سوزاند، آفتاب روشنایی می دهد، غذا انسان را سیر می کند.

ویژگی های اصل سنخیت علت و معلول:

۱- همه ی انسان ها به طور طبیعی این اصل را قبول دارند.

۲- فیلسوفان (به جز فیلسوفان تجربه گرا) این اصل را نیز مانند خود اصل علیت یک اصل عقلی می دانند. یعنی منشاء درک اصل سنخیت علت و معلول را عقل و استدلال عقلی می دانند.

۳- همه ی انسان ها طبق اصل سنخیت علت و معلول رفتار می کنند. مثلاً برای با سواد شدن درس می خوانند، برای سلامتی ورزش می کنند، برای استحکام ساختمان از آهن یا بنز بهره می برند.

۴- هرچند درک اصل سنخیت عقلی است اما برای اینکه بدانیم از هر علتی کدام معلول پدید می آید باید از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی، آثار و معلول های هر علتی را شناسایی کنیم.

نتایج اصل سنخیت:

۱- انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را دارد ← به همین سبب می‌کوشد ویژگی‌های هر شیء را بشناسد و به تفاوت‌های آن با اشیای دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه‌ی آن را شناسایی کند.

۲- اصل سنخیت پشتوانه‌ی عقلی نظم دقیق جهان است.

۳- دانشمندان با تکیه به همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند ← یعنی دانشمندان بر اساس همین اصل وقتی با پدیده‌ای مواجه می‌شوند و می‌خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می‌روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جو می‌کنند تا بتوانند به علت ویژه‌ی آن پدیده دست یابند.

اگر فیلسوفی معتقد باشد که اصل سنخیت از تجربه به دست می‌آید نمی‌تواند وقوع اتفاق - به معنای نفی سنخیت - را در حوادث بعدی غیر ممکن بداند.